



### فقه باید تامین‌کننده اخلاق باشد/ اخلاق، مهمترین هدف پیامبر اسلام

شفیعی ضمن اشاره به اینکه مهمترین هدف از بعثت پیامبر(ص) ایجاد جامعه اخلاقی بوده است به نقش فقه به عنوان تامین‌کننده اخلاق تاکید کرد.

شفیعی ضمن اشاره به اینکه مهمترین هدف از بعثت پیامبر(ص) ایجاد جامعه اخلاقی بوده است به نقش فقه به عنوان تامین‌کننده اخلاق تاکید کرد.

به گزارش ایکننا، نشست علمی «فقه اخلاقی، گامی کاربردی در راستای تامین اهداف نبوی» شب گذشته ۲۹ مهرماه با سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین علی شفیعی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی برگزار شد. متن سخنان او را در ادامه می‌خوانید؛

من گمان می‌کنم اگر ما تلاش کنیم رویکرد اخلاقی در فقه را تقویت کنیم پاره‌ای از اموری که در طول تاریخ اسباب فاصله بین مسلمانان شده است را از بین می‌بریم و تلاش می‌کنیم مسلمانان هرچه بیشتر در سایه دستگاہ فقاہت به همدیگر نزدیک تر شوند. یک مشکلی که وجود دارد بحث تکفیر و جواز حرمت شکنی است. در پاره‌ای از نحله‌های فکری اهل سنت، فقها به خودشان اجازه می‌دهند برادران شیعه‌شان را تکفیر کنند و جان مسلمانان شیعی را مورد تعرض قرار دهند. این امر ریشه در استنباط‌هایی دارد که اخلاقی نیست و در تعارض با اخلاق است. به همین جهت گفت وگو در باب فقه اخلاقی می‌تواند این فضا را ترمیم کند و نشان دهد ما در دنیای جدید باید اخلاق را به عنوان معیار مهم در مشروعیت یک رای فقه مورد نظر قرار دهیم. بحث ما می‌تواند به ایجاد نوعی همگرایی و همزیستی مسالمت‌آمیز بین مسلمانان کمک کند.

بحث اصلی بنده این است که فقه اخلاقی گامی کاربردی در تامین اهداف نبوی است. اول باید به اهداف نبوی پرداخت تا ببینیم تلاش برای اخلاقی کردن فقه چه نسبتی با آن دارد. پاره‌ای از آرا در فقه سنی و شیعی وجود دارد که نشان می‌دهد دغدغه اخلاق در میان فقها، دغدغه اصیل نبوده است. مثلاً در میان پاره‌ای از فقهای اهل سنت با جواز تکفیر دیگران مواجه می‌شوید. روشن است این رای، یک رای غیر اخلاقی است یا در میان فقهای شیعی با پاره‌ای از آرای فقهی مبنی بر حرمت شکنی دگراندیشان مواجه می‌شوید که نشان می‌دهد در حوزه نسبت بین اخلاق و فقه باید گام‌های جدیدی برداشته شود. ساختن جامعه اخلاقی، مهمترین هدف پیامبر(ص)

مهم‌ترین هدف در میان اهدافی که پیامبر اسلام به خاطر آنها مبعوث شد و تلاش کرد آن را به عنوان هدف اصلی خودش قرار دهد ایجاد یک جامعه اخلاقی بود. ایجاد یک جامعه اخلاقی به این معنا بود؛ شریعتی که حاکم بر جامعه است تامین‌کننده اخلاق باشد، روابطی که بر جامعه حاکم است در مسیر اخلاق باشد و حتی اعتقادات حاکم بر جامعه تامین‌کننده اخلاق باشد. ما می‌توانیم قرائتی از انسان ارائه دهیم که تامین‌کننده اخلاق باشد یا نباشد. اگر کسی انسان را موجودی ذاتاً شر بداند و او را متمایل به فسق و فجور بداند، احکامی که استنباط می‌کند در راستای تامین این نکته خواهد بود که کنترل بر انسان را حداکثری بکند. این نگاه، نگاهی غیر اخلاقی در حوزه باور و عقیده و مبانی است که می‌تواند خروجی خودش را در تعاملاتی که قانون‌گذار یا فقیه با انسان دارد نشان دهد و شریعتی که به دنبال خودش می‌آورد یک فقه خاصی باشد که با هنجارهای اخلاقی فاصله داشته باشد.

پس اگر ما هدف اولیه پیامبر اسلام را این نکته بدانیم که پیامبر(ص) آمده است جامعه را اخلاقی کند، اگر با این نگاه به سراغ متون برویم برداشتی که انجام می‌شود متفاوت با قرائت موجود خواهد بود. وقتی می‌گوییم متفاوت خواهد بود به این معنا نیست که یک تفاوت صفر تا صدی است. گاه تفاوت در چند فرع فقهی است که اتفاقاً همان چند فرع فقهی، در جهان جدید برای مسلمانان چالش ایجاد کردند. به هر حال نکته‌ای که می‌خواهم عرض کنم این است مهمترین هدف پیامبر(ص) ایجاد یک جامعه اخلاقی است. این نکته خودش را در آموزه‌های دینی ما فراوان نشان داده است. شریعت به مثابه تامین‌کننده اخلاق

در آیات قرآنی ما نکات متعددی در دعوت به اخلاق می‌بینیم. همچنین در قرآن شاهد این هستیم که آموزه‌های تشریحی قرار بوده است خدمتگزار اخلاق باشند. من به عنوان نمونه دو سه نمونه از آیات را عرض می‌کنم. در تشریح نماز به عنوان یک حکم فقهی که شارع نسبت به آن حساسیت ویژه دارد، قرآن از جمله فلسفه‌های وجودی تشریح این حکم را کمک به اخلاقی شدن انسان قرار داده است. در آیه شریفه ۴۵ سوره عنکبوت می‌فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ». در این آموزه اقامه نماز به سالم‌سازی جامعه گره می‌خورد. این یک نکته مهمی است که نشان می‌دهد اخلاق مقدم بر همه امور

است و دغدغه اصلی پیامبر(ص) بوده است و اگر عبادات تشریح می شود در مسیر اخلاقی شدن فرد و جامعه است.

همچنین در تشریح روزه می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ». تقوا محصول اخلاق است و انسانی که اخلاقی است می تواند درون خودش را کنترل کند. قرآن می فرماید وجوب صوم برای این است که شما را به اخلاق نزدیک کند. ما آیات متعددی داریم که می شود به آنها مراجعه کرد.

یکی از سرفصل های فلسفه فقه، رابطه فقه و اخلاق است. کسانی که وارد این بحث شدند اذعان کردند ما پاره ای از آرای فقهی در میان آرای جاری داریم که با رویکرد اخلاقی مورد پرسش هستند. وقتی می گوئیم فقه اخلاقی بشود به این معنا نیست که فقه ما از بنیاد بی اخلاق است. وقتی می گوئیم فقه اخلاقی شود یعنی حضور بیشتری در فقه پیدا کند. اگر فقه ما هفتاد درصد دغدغه اخلاق را تامین کرده است تلاش کنیم این نسبت را به صد درصد برسانیم. حداقل در حوزه عبادیات هیچ تردیدی نیست حجم فراوان آرای فقیهان تامین کننده اخلاق است لذا تاکید می کنم وقتی از رویکرد اخلاقی در فقه صحبت می کنیم مقصود این است که حجم بیشتری از آرای فقهی اخلاقی را استنباط کنیم. سه نکته اساسی برای ایجاد فقه اخلاقی

برای اخلاقی شدن فقه، صاحب نظران چند نکته مهم گفتند که اگر می خواهیم فقه مان اخلاقی شود باید تکلیفمان را با این چند پرسش روشن کنیم. پرسش اول اینکه آیا علم اخلاق بر فقه تقدم دارد یا فقه بر اخلاق تقدم دارد. اگر قائل به تقدم اخلاق بر فقه هستیم، شاخص ما در خروجی فقه، اخلاق خواهد بود. هر خروجی فقهی که در تعارض با اخلاق باشد، حتما باید مورد تجدید نظر قرار گیرد. این یک پرسش است. نکته دوم اینکه آیا توجیه باورهای فقهی متوقف بر سازگاری آنها با باورهای اخلاقی است یا برعکس است. آیا باورهای فقهی حتما باید با باورهای اخلاقی سازگار باشد یا نه. نکته سوم اینکه در تعارض باورهای فقهی و اخلاقی کدام یک مقدم هستند. اینها نکاتی است که باید مورد گفت و گو قرار گیرند تا ببینیم رای ما در مورد آنها چیست.